

Feminine Rationality in Ancient Persian Mythology

Maryam Saneapour *

Abstract

Ancient myths represent historical heritage of cultures. Through studying ancient Persian mythology, as a kind of collective Iranian unconscious, social aspects of feminine rationality has been sought in this paper; so they can participate in management of social affairs. For this reason, after explaining and analysis of Persian rationality, related goddesses and creation myths to feminine rationality have been studied, and Iranian rational feminine capabilities for establishing an ethic-oriented civilization have been gathered. Rereading myths showed that Persian rationality and wisdom of Ahura Mazda is the same which essentially based Good thoughts, good words, and good deeds that, unlike modern instrumental rationality, could not be seeing without ethic of kindness and altruism. In this discourse, women would be admired by their maternal abilities, and, dissimilar from their counterpart Greek myths, they are not symbols of instincts; therefore, they do not in contradiction to masculine civilization-making rationality. Women introduce as mothers' of society and the origins of Ahura Mazdian reasoning in the social life. Thus, elimination of women from making civilization is to cutting the roots of altruistic rationality.

Keywords: feminine rationality, Anahita, Mother Goddess, supreme spirit.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* assistant professor of Philosophy, Institute for Humanity and Cultural Studies, Tehran,
m.saneapour@gmail.com

Date received: 04/11/2020, Date of acceptance: 14/02/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

خرد زنانه در اسطوره‌های ایران باستان

مریم صانع‌پور*

چکیده

اسطوره‌های باستانی، بیانگر حافظه تاریخی فرهنگ‌ها هستند. در این مقاله تلاش شده تا با واکاو اسطوره‌ها، در جایگاه ناخودآگاه جمعی ایرانیان، بعد اجتماعی خرد زنانه بازیابی شود تا زنان نیز با ویژگی‌های عقلانی‌شان بتوانند دوشادوش مردان در مدیریت اجتماعی سهمیم باشند. بدین منظور پس از تبیین و تحلیل خرد آریایی، اسطوره‌های ایزدبانوان و اسطوره‌های آفرینش با محوریت خرد زنانه بررسی شد و ظرفیت‌های ایرانی عقلانیت زنانه جهت شکل‌گیری تمدنی اخلاق‌مدار جمع‌آوری شدند. بازخوانی اسطوره‌ها نشان داد عقلانیت آریایی همان خرد اهورایی است که ذاتش با راست‌پنداری، راست‌گفتاری و راست‌کرداری عجین شده‌است و برخلاف عقل ایزاری مدرن، هرگز نمی‌توان آن را بدون اخلاق مهرورزانه تصور کرد. در این گفتمان، زنان با ویژگی‌های مادرانه‌شان ستوده می‌شوند و برخلاف اسطوره‌های یونانی مظهر غرایز نیستند تا در تقابل با عقل تمدن‌ساز مردانه باشند؛ همچنین زنان مادران جامعه و ریشه خردورزی اهورایی در اجتماع معرفی می‌شوند. بنابراین حذف زنان از تمدن‌سازی و مدیریت اجتماعی به منزله قطع ریشه‌های نوع‌دوستانه خردورزی است.

کلیدواژه‌ها: خرد زنانه، آناهیتا، الهه‌مادر، ایزدبانو، روح بزرگ

۱. مقدمه

اسطوره‌های کهن سرزمین‌ها ناخودآگاه جمعی مردم آن سرزمین را شکل می‌دهند. اسطوره‌های ایران باستان زنان را با خصوصیات مادرانه‌شان معرفی کرده‌اند و برای خرد

* استادیار گروه فلسفه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، m.saneapour@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

مادرانه علاوه بر شأن خانوادگی، شأنی اجتماعی نیز قائل شده‌اند. این گفتمان ظرفیت قابل توجهی برای قدرت مادرانه، که مبتنی بر خرد زنانه است، شکل می‌دهد تا رأفت و ملاحظت مادرانه را در مدیریت اجتماعی سریان بخشد و عقل حسابگر را با مهربانی درهم آمیزد. قدمت اولین اسطوره‌های ایرانی به ده قرن قبل از میلاد مسیح یعنی اسطوره‌های اوستایی می‌رسد. در این افسانه‌ها بر خلاف اسطوره‌های یونان باستان، عقلانیت امری مردانه و غیرعقلانیت امری زنانه تعریف نشده‌است، بلکه زن و مرد هر دو به یک میزان از «آسن خرد» یا عقل نظری فطری برخوردارند و بهره‌مندی از «گوش سرودخرد» یا عقل عملی اکتسابی - که منوط به آموزش و تجربه است - ربطی به زن بودن یا مرد بودن ندارد.

۲. خرد ایرانی

خرد در زبان پهلوی به معنای درک، دریافت، تدبیر، فراست، هوش و دانش است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه خرد) خرد از نظر معنایی معادل واژه یونانی (Nous) است که هم به معنای نیروی فهم و ادراک، و هم به معنای اندیشه خداوند است که با آن جهان را می‌آفریند و نگهداری می‌کند. (McPherran, 1996: 273-275) خرد در باور زردشتی جایگاهی محوری دارد زیرا اهورمزدا مظهر خرد است و جهان را با خرد رهبری می‌کند. بویس می‌نویسد هسته اصلی تعالیم زردشت، معرفت به یک نیکی مینوی یعنی عقل کل جهان هستی است. در هرمزدیشت، اهورمزدا خود را چنین معرفی می‌کند: «منم سرچشمه دانش و آگاهی... منم خرد... منم خردمند... منم دانایی» (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۲۷۲/۱). در گاهان نیز آمده

ای مزداهوره بی گمان این [پاداش آرمانی] را به تن و جان کسانی ارزانی می‌داری که با منش نیک کار می‌کنند... و در پرتو آشه (آشه در مزدیسنا به معنای حقیقت و درستی است). آموزش خرد نیک تو را به درستی پیش می‌برند، خواست تو را برمی‌آورند و برای پیشرفت جهان می‌کوشند (همان: ۱۳)

و در جای دیگری از گاهان اهورمزدا به زردشت می‌گوید «با وساطت خرد و دانش من [دریاب که] سرانجام زندگی و زندگی آینده چگونه است.» (همان: ۲۷۸) با توجه به این عبارات اوستایی، اهورمزدا مرتبه والای خرد است؛ انسان باید از خرد او بهره‌مند شود و آن را در زندگی خود به کار گیرد. در اوستا و متون پهلوی، از خرد در کنار سایر قوای فکری انسان یاد شده که خوبی‌ها را از بدی‌ها تمییز می‌دهد. (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۸۵)

«آسن خرد» و «گوش سرودخرد» مهم‌ترین انواع خرد در متون زردشتی هستند. آسن خرد، خرد فطری انسان است که اورمزد، آفریدگان مینو و گیتی را با آن آفریده‌است. (تفضلی، ۱۳۸۳: ۶۴) اما گوش سرودخرد، اکتسابی و آموزشی می‌باشد. در متون پهلوی از انواع دیگر خرد مانند خرد ایزدی، خرد اهریمنی، خرد همه‌آگاه، خرد مینوی، خوب‌خرد، دژ‌خرد، پیش‌خردی، پس‌خردی یاد شده‌است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای خرد در متون پهلوی، حفظ و ارتقاء ابعاد مختلف شخصیت انسان است. خرد در منابع پهلوی، بامصلحت و حفظ سرشت یا شخصیت فردی ارتباط دارد. (میرفخرایی، ۱۳۸۲: ۱۱)

در ایران باستان خرد:

- امری اهورایی است که ریشه در خالق عالم مینوی (معنوی) و عالم گیتی (مادی) دارد؛
- هر دو عالم (مینو و گیتی) با خرد اهورایی اداره و رهبری می‌شوند؛
- انسان‌ها با پندار نیک می‌توانند در اندیشه اهورایی مشارکت کنند و دنیایی نیک را در هر دو جنبه مادی و معنوی ایجاد و اداره کنند؛
- اندیشه نیک اهورایی آرامش و نور (یا آگاهی) را در هم می‌آمیزد؛
- خرد اهورایی خواه توسط اهورمزدا و خواه توسط انسان‌های نیک‌اندیش و نیک‌گفتار و نیک‌کردار، راستی و درستی را می‌آفریند؛
- نیک‌اندیشی، که با راستی درآمیخته‌است، ریشه در خرد اهورایی دارد اما بدانندیشی و ناراستی، دیوان یا قوای مخرب عالم را تکثیر می‌کند؛
- خرد نیک، جان را می‌پروراند تا آرزوها و انتخاب‌های نیک داشته باشد و این امر در گفتار و کردار نیک رخ می‌نماید؛
- خرد و هوش نیک، انسان را به راستی و درستی دعوت می‌کند؛
- خرد نیک، انسان را به پرستش آفریننده‌اش دعوت می‌کند؛
- خرد نیک با درستکاری، راستگویی، نظم، قضاوت عادلانه، عدالت‌گستری، دینداری و دین‌گستری همراه است؛
- حکمت ژرف‌اندیش با خردورزی، پرهیزگاری، نظم، قاعده‌مندی، و راستی همراه است؛
- گفتار نیک و کردار نیک لازمه خرد و اندیشه نیک است؛
- خرد ذاتی آدمی یعنی آسن خرد، هدیه دختر اهورمزدا یعنی سپندارمذ است؛

- خرد همه‌چیز آگاه بالاترین درجه خرد و متعلق به اهورمزدا است؛
- خرد فزونی، انسان را از بصیرتی باطنی برخوردار می‌کند؛
- خرد پرهیزگاران، بالاترین مرتبه خرد یعنی خردی فضیلت‌مدار است که محرومیت را از دیگران می‌زداید؛
- اعطای خرد همه‌آگاه از سوی اهورمزدا روشن‌بینی و نگرش حقیقی را نصیب انسان می‌کند چنان‌که در مورد زردشت چنین شد؛
- مینوی خرد یا نیروی معنوی عقل، همان خرد غریزی اهورایی است که دانش و کاردانی معنوی و مادی به آن وابسته است؛
- نگرستن با خرد ذاتی و اکتسابی، فرد را از لغزش گناهان حفظ می‌کند؛
- خرد نیک، خاستگاه نیک‌اندیشی، نیک‌گفتاری، و نیک‌کرداری است که دیوان یا نیروهای مخرب را از گیتی دور می‌کند؛
- خرد بد، خاستگاه بداندیشی، بدگفتاری و بدکرداری است که دیوان یا نیروهای مخرب را در جهان می‌افزاید؛
- برترین خرد تعادل بین جان و تن را حفظ می‌کند تا به خاطر روان، هیچ بدی به تن نرسد و به خاطر تن، هیچ بدی به روان نرسد؛ اگر نتوان چنین کرد باید از تن گذشت و روان را حفظ کرد؛
- بی‌توجهی به تن نشانه بی‌خردی است؛
- خرد، سرچشمه آفرینش و نگهبان کل هستی از جمله تن و روان آدمی است؛
- اهورمزدا این جهان را به وسیله خرد و دانایی آفرید و با فرزاندگی و همت نگاه می‌دارد؛
- تخم دانش فرهنگ، و بر آن خرد است و خرد، راهبر دو جهان می‌باشد؛
- خرد بخشی از نظام جامع اورمزد را تشکیل می‌دهد زیرا دین زردشت، همان خرد جاویدان خداوندی است که به صورت کلام الهی متجلی شده است؛
- خرد نیرویی باستانی است که باید به‌یاریش عمل اهریمنی را از اهورایی تشخیص داد؛
- کار خرد، شناختن، گزینش و انجام کار خوب، و رها کردن کار بد است؛
- خوبی کردن به دیگران نشانه خرد است؛

- ویژگی‌های اخلاقی مانند آشتی‌خواهی، وقار، امیدواری، بخشندگی، بردباری، بی‌آزاری، پاکدامنی، پرهیزگاری، جوانمردی، خرسندی، خوش‌خلقی، دادگری، دلیری، دوراندیشی، دوستی، رازداری، راستی، راستگویی، شادی، غم‌نیامده را نخوردن، شرم، فروتنی، کوشایی، گویایی، مدارا، مردمی، میانه‌روی، و نرم‌خویی از نشانه‌های خردمندی است؛
- صفات ناپسند اخلاقی مثل آز، آزاردهی، افراط و تفریط، بیداد، بی‌شرمی، تکبر، حسد، خشم، تبلی، حسد، دروغ، دشمنی، ستیزه‌گری، شتاب، شهوت، کینه، ناامیدی و ناسازگاری از نشان‌های بی‌خردی است.

۳. اسطوره‌ ایزدبانوان

اهورمزدا پس از آفرینش آسمان، اندیشه نیک را ایجاد کرد، روشنایی مادی را خلق نمود، و دین مزدیسنا را ابداع فرمود. سپس به آفرینش امشاسپندان پرداخت؛ سه امشاسپند مذکر: بهمن، اردیبهشت، شهریور؛ و سه امشاسپند مونث: اسفند، امرداد، خرداد. با بررسی احوال سه امشاسپند مونث، آشنایی بیشتری نسبت به خرد زنانه در ناخودآگاه جمعی ایرانیان حاصل می‌شود و از استعدادهایی خبر می‌دهد که می‌توانند در زنان به فعلیت برسند.

۱.۳ امشاسپندسپندارمذ

در میان شش امشاسپند روحانی، ایزدبانو سپندارمذ مظهر مهربانی، صلح‌جویی و بردباری اهورایی است و نگهبان زمین نیز تلقی می‌شود. دوازدهمین ماه سال در فرهنگ پهلوی سپندارمذ نامیده می‌شود (سویمی: ۵۷) که به معنی بی‌نقصی و سلامت کامل است. (همان: ۹) کشت و کار و آبادانی در آیین زردشت بسیار ارجمند است، و این سپندارمذ است که زمین را خرم و آباد نگه می‌دارد و دلگرمی و شادمانی کشاورزان و کارگران را فراهم می‌کند، از این‌رو سپتته‌آرمئیتی را دختر اهورمزدا نیز خوانده‌اند.

صفات دیگر سپتته‌آرمئیتی فروتنی، جانبازی و فداکاری است؛ این ایزدبانو، مظهر خشنودی و آسایش اهورایی در جهان است. نقش زنان در ایران باستان متأثر از اسطوره‌های اوستایی امشاسپندان مادینه بود و زنان در راستای صفات سپندارمذ یعنی فروتنی، جانبازی و

فداکاری تربیت می‌شدند. ایرانیان کهن معتقد بودند سپندارمذ راهنمای زنان و دختران و نیز پشتیبان زنان درستکار و شوهردوست است. (پورداوود، ۱۳۰۷: ۹۷)

در «فروردین‌یشت» بارها و بارها زنان و دختران پارسا ستوده شده‌اند... در یشت‌ها همچنین فروهر (فروهر به معنای ازالی و جاودانه است که می‌توان آن را جوهر حیات نامید (قلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۷۶-۵۷۷)) های زنان پاکدین ایرانی و غیرایرانی در ردیف مردان پاکدین، مورد ستایش قرار گرفته‌اند؛ همانگونه که در عبارات پایین آمده‌است:

فروهرهای مردان پاکدین ممالک ایران را می‌ستاییم

فروهرهای زنان پاکدین ممالک ایران را می‌ستاییم

فروهرهای مردان پاکدین ممالک توران را می‌ستاییم

فروهرهای زنان پاکدین ممالک توران را می‌ستاییم

فروهرهای پاکدین زنان و مردان همه ممالک را می‌ستاییم.

بنابراین همه‌جا زنان در ردیف مردان نام برده شده‌اند. در یشت‌ها آمده: «اینک ما جان، وجدان، قوه دراکه، روان، خرد، و فروهرهای نخستین شنوندگان آیین، آن مردان و زنان پاک را که سبب پیروزی راستی بوده‌اند، می‌ستاییم». (پورداوود، ۱۳۰۷: ۵۸)

اسطوره‌های ایران باستان رویکرد نژادی ندارند و فروهرهای زنان و مردان تورانی را نیز همچون فروهرهای ایرانیان، ستایش می‌کنند. در این اسطوره‌ها از تبعیض جنسی نیز خبری نیست زیرا پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک هنگامی بر زنان و مردان واجب می‌شود که هر دو جنس از حقوق مساوی انسانی برخوردار باشند. در نیایشی آمده: «ای اهورمزدا باشد تا ما همواره از کشور نیک تو بهره‌مند شویم و شهریار نیکی در هر دو جهان، چه زن و چه مرد بر ما سلطنت کند.» (اینوسترانشف، ۱۳۵۱: ۱۰۰) در این عبارت ملاک شهریاری در عالم مادی و عالم مینوی نیک‌پنداری، نیک‌کرداری و نیک‌گفتاری است که امری فراجنسی می‌باشد و خاص مردان نیست.

در وزیدگی‌های (به معنای ورزیدگی و تجربه داشتن) زاداسپرم (کتاب وزیدگی‌های زاداسپرم اثر زاداسپرم پسر گشن جم یکی از پیشوایان زردشتی بود که حدود قرن سوم هجری می‌زیست. کتاب زاداسپرم احکام زردشتی را به زبان ساده بیان می‌کند (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۴۹)) آمده «سپندارمذی، هوئس زن گشتاسب راست که بزرگترین یاور زردشت است». در این عبارت صفات امشاسپندی به همسر زردشت نسبت داده شده‌است.

خرد زنانه در اسطوره‌های ایران باستان (مریم صانع‌پور) ۱۷۳

(راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۱۰۱) یکی از صفات اهورایی سپندارمذ، صفت مادری است. چنانکه زاداسپریم می‌نویسد

مینوی زمین، سپندارمذ درست‌اندیش، مادر همه زایشمندان روی زمین است، که سرشت مادری او از آغاز تا واپسین روزها ادامه دارد. او به نیک‌مهری همه آفریدگان را ببخشاید؛ زیرا همگان، فرزندان اویند. بر پرهیزگاران، دشواری راکه بر تشنان است، ببخشاید و بر گناهگاران، پادافرهی را که بر روانشان است، ببخشاید. و اسپندارمذ هرگز خواهشی از اورمزد نخواست، چون تا فرجام کامل کارها، بردبار و بدون گله و شکایت است. (همان: ۱۰۶)

«اسفندارمذ برای گسترش رمه‌ها و مرغزارها آفریده شده»، (یسن ۶۴، بند ۳) دشمنی دیوان را درهم می‌شکند و درمان‌گر است. (یشت ۱، بند ۲۷) «او وظیفه پرورش آفریدگان و کامل کردن‌شان را دارد؛ سپندارمذ نیکوی کمال‌اندیش و پرهیزگار است؛ نیکویی او در فروتنی‌اش می‌باشد. وی هر بدی را که به زمین رسد، فرو می‌خورد.» (بند هشت ت.د.۱) ایزدبانو سپندارمذ اندیشه اهورایی را جلوه‌گر می‌کند؛ سپند به معنای مقدس و برکت بخش است (یسن ۴۶، بند ۱۲) و مردم از طریق او تقدس می‌یابند. (یسن ۴۵، بند ۴) در برخی اساطیر کهن ایرانی، سپندارمذ، همسر اهورمزدا معرفی شده است. (راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۸۲) مهربانی، صلح‌آفرینی، بردباری، محافظت، شادی‌بخشی، امنیت‌بخشی، آفرینندگی، بخشندگی، شفابخشی، تربیت، پرورش‌دهندگی، کمال‌بخشی، نیک‌اندیشی، و برکت‌بخشی، ویژگی‌های خرد مادرانه سپندارمذ است.

۲.۳ امشاسپند خرداد (هئورتات)

ایزدبانو خرداد یا هئورتات یکی از امشاسپندان اوستایی و مظهر کمال و سلامتی اهورمزدا است که در ترجمه پهلوی اوستا و سنسکریت «موکل آب» و «منشأ هر چیز» معرفی شده است. صفات اهورایی پس از تجلی در عالم روحانی امشاسپندان، در جهان مادی تعیین می‌یابند؛ صفات ایزدبانو خرداد در سومین ماه سال یعنی خرداد تعیین یافته است. هئورتات از امشاسپندان عالم معنوی است که در عالم مادی، آفرینش و پرستاری آب را به عهده دارد. در دوران اهریمنی، خرداد آب را به یاری فروردین که فروهر پرهیزگاران است، ستاند و در عالم مینوی به باد سپرد تا از گزند اهریمن در امان باشد. باد، آب را به کشورها راهبر شد و به وسیله ابر و همکارانش باراند. (دادگی، ۱۳۷۸: ۴۹، ۵۵، ۱۱۵-۱۱۶) در این اسطوره ایرانی

برخلاف اسطوره یونانی پرومته که بیانگر نزاع و تضاد میان آسمان و زمین است، (Campbell, 1973: 82) آسمان روحانی و زمین جسمانی در وحدتی کامل توصیف شده‌اند. خرداد سرور سال‌ها، ماه‌ها و روزهاست زیرا هستی، زایش و پرورش همه موجودات و آبادانی زمین از آب است. نیک‌زیستن هر ساله نیز به سبب خرداد است. (دادگی، ۱۳۷۸: ۴۹، ۵۵، ۱۱۶)

خرداد مظهر کمال و رسایی اهورمزدا و نگهبان آب است. اهورمزدا به زردشت می‌گوید نعمت‌ها، رستگاری، آرامش و سعادت از جانب خرداد به مردمان پاکدین ارزانی شده‌است. (تفضلی، ۱۳۸۳: ۴۹) ایرانیان باستان بر سر سفره طعام به نام هئورتات دعا می‌کردند و به جای آب و درخت، نام این ایزدبانو را بر زبان می‌آوردند، زیرا معتقد بودند او در بهشت به مومنان روزی می‌رساند. (اینوسترانشف، ۱۳۵۱: ۱۱۰) آب مایملک خرداد تلقی می‌شد؛ همان آبی که هستی، زایش و پرورش موجودات جهان و آبادی زمین از او است. (بهار، ۱۳۷۵: ۱۵۴)

صفات اهورایی کمال، سلامتی، حیات‌بخشی، محافظت و پرستاری حیات نیکو در خرد مادرانه خرداد تجلی می‌کند و در آفرینش، محافظت و پرستاری از آب، رویش‌بخشی، حاکمیت بر زمان، نعمت‌بخشی، امنیت‌آفرینی، سعادت و رستگاری دنیوی و مینوی ظاهر می‌شود.

۳.۳ امشاسپندامرداد (امرات)

آمرداد، امشاسپندبانویی است که جاودانگی اهورمزدا را متجلی می‌کند. وی گیاهان را پاسداری می‌کند، جانوران را بر زمین می‌گستراند، سرسبزی سرزمین‌ها و افزونی رمه‌ها را ارمغان می‌آورد و از پژمردگی گیاهان جلوگیری می‌کند. در اسطوره آفرینش آمده زمانی که اهریمن به نخستین آفریده‌ها حمله‌ور شد، امرداد از جوهره گیاهان پاسداری کرد و گیاهانی را که اهریمن خشک و فاسد ساخته بود، برگرفت، سایید و به یاری ایزد باران در جهان پراکند، تا رستنی‌های گوناگون در سراسر جهان سر از خاک بیرون آورند. بنابراین امشاسپندبانو امرداد و امشاسپندبانو خرداد با هم پیوند تنگاتنگی دارند. خویشکاری خرداد، پاسداری از آب است، با ایزد باران همکار است و شادابی گیاهان نشانه‌ای از وجود او است. این دو امشاسپند در کنار هم، نمایندگان رویش و زندگی هستند. وظایف امرداد با وظایف تاریخی زنان هماهنگ است. در ایران باستان زنان با دانه‌یابی در فصول رویش

گیاهان و میوه‌ها، از رستنی‌ها نگهداری می‌کردند. (حجازی، ۱۳۷۰: ۶۰) خرداد و امرداد پزشکانی آسمانی هستند که بیماری‌ها را درمان می‌کنند، نابینایی و لالی را از میان می‌برند و مرگ را از نیایش کنندگان دور می‌دارند. آنان ثروت، برکت و فرزندان نیکو به ستاینندگان می‌بخشند، عروس را به‌خانه داماد می‌رسانند و یاریش می‌کنند تا باردار شود، به‌گاو بی‌فرزند شیر می‌بخشند. به دوشیزگان سالخورده، شوی و به مردان مومن، همسر می‌دهند. آنان عاشقان را به هم می‌رسانند و کشتی‌شکستگان را نجات می‌بخشند. (بهار، ۱۳۷۵: ۴۷۲)

صفات اهورایی جاودانگی، پاسداری از گیاهان و نشاطبخشی به‌آنان، گسترش‌بخشی به‌جانداران، مقابله با مرگ و پوسیدگی در خرد مادرانه امرداد متجلی می‌شود. برخی صفات اهورایی مانند یآوری گرسنگان و درماندگان، شفابخشی به‌بیماران و نابینایان و ناشنوایان، برآوردن نیاز نیازمندان، پیوند مردان و زنان، بخشش قدرت، برکت و فرزندان صالح، فراوانی نسل‌ها و نجات غرق‌شدگان حاصل همکاری دو ایزدبانو یعنی خرداد و امرداد است.

۴.۳ ایزدبانو آناهیتا

در نظام سلسله‌مراتبی اسطوره‌های ایران باستان پایین‌تر از امشاسپندان، ایزدبانوانی وجود دارند که نماد برکت‌های روحانی در جهان مادی هستند. در آیین کهن ایرانی برخلاف آیین‌های یونان باستان، زمین کدر در تضاد با آسمان روشن نیست بلکه عناصر چهارگانه آب، آتش، هوا و خاک جلوه‌های مادی عوالم روحانی، هستند؛ برخلاف اسطوره‌های یونانی که وجود آتش در روی زمین را نشانه نافرمانی اولین انسان یعنی پرومته، در مقابل خدایان کوه المپ می‌دانستند. (Vico, 1975:148) در اسطوره‌های ایران باستان، آب که بعد از آتش والاتر از سایر عناصر بود، موکلی به نام آناهیتا داشت. نیایش ایزدبانوی آب، نشانه احترام ایرانیان قدیم به زنان است. همچنین مردان زورمند و دلیر، فرّه یا شکوه مقدس را از پیشگاه آناهیتا درخواست می‌کردند؛ پیشوایان دینی از آناهیتا می‌خواستند به ایشان دانش و خرد عطا کند؛ پرهیزگاران برای پیروزی بر دیوان از آناهیتا مدد می‌جستند و سپاهیان نیز از او یاری می‌خواستند. (یشت ۵، بندهای ۲۳، ۲۶) هوشنگ، جم، اژی‌دهاک، فریدون، گرشاسب، افراسیاب و کاووس برای آناهیتا قربانی می‌کردند و نیازهایشان را از او طلب می‌نمودند. (یشت ۵ از بند ۱۷ تا ۴۷) فریدون از آناهیتا چنین خواست «کامیابی را به من ده ای نیک، ای تواناترین... تا بر اژی‌دهاک بسیار چالاک ظفر یابم». (حجازی، ۱۳۷۰: ۸۶)

آناهیتا ایزدبانوی هندوایرانی است... که نطفه نران و رحم مادگان، و نیز شیر پستان مادران را پاک می‌کند زیرا سرچشمه دریای کیهانی است. وی نماد عشق و دوستی است که پرستشگاه‌ها و تندیس‌هایش در معابد کنگاور، کازرون، رفسنجان و شوش هنوز پا برجا است. (هینلز، ۱۳۹۱: ۳۸)

در ایران باستان عالم جسمانی مظهر عالم روحانی بود چنان‌که آناهیتا هم ایزدبانوی آب معنوی و هم ایزدبانوی آب مادی بود؛ آب معنوی در دانش، خردمندی، توانایی، عشق و دوستی، آزادی، فره و شکوه مقدس، و نیز غلبه بر دیوان و دشمنان جلوه‌گر می‌شد و آب مادی در باروری، پاکیزگی، درخشندگی و شفابخشی تعیین می‌یافت.

اسطوره آناهیتا از ارتباط مستقیم زنانگی با عقلانیت و قدرت مادرانه، باروری، عشق و دوستی، شفابخشی، پاکیزگی و آبادانی حکایت می‌کند. به قول مهرداد بهار در اساطیر ایران باستان آب با زهدان مادر ارتباط داشت و هر تولد تازه‌ای به منزله تولد پاک، تقدس و قدرت تلقی می‌شد. (بهار، ۱۳۷۵: ۲۶۰)

۵.۳ ایزدبانوآشی یا آرد (اهریشونگ)

ایزدبانوآشی، مظهر بخشش و پاداش اهورایی است. او دختر اورمزد و ایزدبانوی زنان است که پیشرفت و آسایش را به خانه‌ها می‌آورد و به ساکنان خانه‌ها خرد و دارایی می‌بخشد. اشی در اوستا نیرومند، خوش اندام و شکوهمند توصیف شده است. زنانی که اشی، یارشان باشد سفیدبخت می‌شوند. او همچنین نگهبان بهشت و پاسدار گنج نیکان است و در نبردها پیروزی عطا می‌کند. (یشت ۱۹، بند ۵۴) اشی یکی از شخصیت‌های مینوی است که هنگام زاده شدن زردشت حضور داشت. سروش، ایزد هدایت و رشن ایزد عدالت، برادران اشی هستند. سروش به اتفاق اشی پاداش یا پادافره می‌دهد. اشی مینوی پرهیزگاران است؛ هنگامی که دیوان شبانگاهی، پلیدی را بر فراز زمین، بگسترانند، آرد آنرا پاکیزه می‌کند. (همان: ۱۵۱-۱۵۲) ایزدبانوآشی نماد بخشندگی اهورمزدا است. او نیز همچون آناهیتا دو جنبه معنوی و مادی دارد. در جنبه معنوی مظهر بخشش خرد، قدرت، شکوه مقدس، آزادی، نیکبختی، پاداش‌دهندگی به نیکوکاران و مجازات‌کنندگی نسبت به گناهکاران است؛ در جنبه مادی مظهر ثروت، پیشرفت، آسایش و زیبایی است. همچنین ایزدبانوآشی نماد محافظت اهورایی از گنج‌های معنوی و مادی، و نیز واسطه آسمان با زمین است تا

خیرات آسمانی را به زمین برساند و نیکی‌های اهل زمین را به آسمان برد. تبدیل ظلمت به نور، و تبدیل شرور به نیکی‌ها نیز با وساطت ایزدبانوآشی صورت می‌پذیرد.

۶.۳ ایزدبانو دین (دئنا)

واژه دئنا در اوستا به معنای دین، اندیشه، شناخت و وجدان آمده که همگی مونث هستند. دئنا ابتدا بر ایزدبانوسپندارمذ و سپس بر اهورمزدا رخ می‌نماید. طبق اسطوره‌های آریایی انسان آزاد آفریده شده تا به یاری دئنا یا نیروی باطنی ارجمندش از میان دو گوهر متضاد سپتامینو و انگره‌مینو، راه راست را برگزیند. دئنا ایزدبانوی وجدان به آدمیان نیرو می‌دهد تا راه اهورایی را برگزینند. اودختر اورمزد و سپندارمذ و نیز خواهر ایزدبانوآشی حافظ آسودگی زنان است. (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۳)

دئنا در اوستا وجدان و دریافت روحانی ازلی و ابدی است که اهورمزدا آن را در تن آدمی نهاده تا از نیکویی و زشتی کردارش آگاه شود، نیکی را بستاید و بدی را نکوهش کند. اگر انسانی به این نیرو دست یابد، هرگز به سمت بدی دست نخواهد برد. دین ابتدا بر زمین، یعنی ایزدبانوسپندارمذ و سپس بر هرمزد ظاهر شده است. (بهار، ۱۳۷۵: ۷۵)

هنگامی که افراسیاب آب را از ایرانشهر بازداشت، سپندارمذ دوشیزه وار برای بازآوردن آب، به خانه منوچهر، شاه ایرانشهر درآمد... سپندارمذ زرین‌کستی (کمر بند زرین) را که نماد دین مزدیسنان بود، بر میان بسته بود؛ بندی که سی و سه گناه را با سی و سه بند می‌بندد. دوشیزگان که دیدند سپندارمذ، کستی به میان بسته، برای زیبا به نظر آمدن، مشتاق بستن کستی شدند. (همان: ۲۴۳) از این رو زنان در مقابل گناهان، مقاوم‌تر هستند. (همان: ۲۵۹)

دئنا نقشی فرجام‌شناسانه نیز دارد: هنگامی که انسان پس از مرگ در سر پل چینوت (برابر با پل صراط در اسلام) قرار می‌گیرد، ایزدبانو دئنا زیبارو، به روان انسان پارسا می‌گوید من آفریده پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک تو هستم. (همان: ۲۳۳)

اسطوره‌های ایرانی زنان را در مقابل گناه، خویش‌دار معرفی کرده‌اند، برخلاف اسطوره‌های یونانی که زن را منشأ گناه و فتنه‌انگیزی معرفی می‌کنند. (Hamilton, 1969: 73) در اسطوره‌های ایرانی دختران جوان به پیروی از دئنا کمر بند (کستی) می‌بندند تا با دور کردن گناه از وجودشان، هم خودشان و هم زمین را زیباتر کنند. زردشتیان معتقد بودند اهریمن و دیوان فقط قادرند زیر «سپهر ستارگان نیامیزنده» را که طبقه سوم از هفت طبقه آسمان و کهکشان است، آلوده کنند. در این اسطوره بدن انسان به جهان تشبیه شده که

اهریمن فقط قادر است قسمت تحتانی آن را آلوده کند زیرا از سینه به بالایش پاکیزه و هرمزدی است. پس کستی که بر کمر بسته می‌شود نمادی از سپهر ستارگان نیامیزنده و کهکشان است که مرز آلودگی و پاکی را در انسان مشخص می‌کند. (بهار، ۱۳۷۵: ۲۵۹)

در روز واپسین «بعد از سپری شدن شب سوم، دین به صورت دختری پانزده‌ساله، زیبا، راست بالا با بازوان سپید نیرومند و سینه‌های برآمده ظاهر می‌شود. (حجازی، ۱۳۷۰: ۵۳) ایزدبانودننا پیش از زردشت نیز الهه آسمان تلقی می‌شد. ایزدبانودننا «دانش هرمزد» و «پناه سپندارمذ» نیز معرفی شده که زندگان، درگذشتگان و آیندگان از او پیدا می‌شوند. دین بر بهمن آشکار شد؛ همو که بهدین مزدیسنان، دشمن دیوان، قانون هرمزد و از میان‌برنده عصیان است؛ بهمن که دیوی را از ایزدی جدا ساخت و این جدایی را آشکار کرد؛ بهمن که هیچ خشم و دیوی و پلیدی اندر او نیست؛ همو که با پذیرش و بهمدد دین، کالبد دیوان را بشکست. از همین رو با پرستش دین، اهریمن و همه دیوان نابود می‌شوند و نیروی ایزدان مینوی افزایش می‌یابد. کامگاری ایزد باران، نیک‌روزی سال‌ها، دادگستری شاهان و همه نیکویی‌های دیگر به واسطه دین است. با پرستش دین، در رستاخیز، تن پسین آفریدگان به بی‌مرگی و آسایش خواهد رسید. (بهار، ۱۳۷۵: ۸۳، ۱۵۳)

ایزدبانودننا در اوستا سرور زنان خوانده شده و در ارت یشت خواهر ایزدبانوآرت و نیز فرزند اهورمزدا و آرمیتی معرفی شده است. او به همراه ایزدبانوچیستا هدایت کننده به راه راست در این جهان و در جهان آخرت است. (زرشناس، ۱۳۸۵: ۴۸) دننا چون مادری حامی آدمیان در این جهان، و نیز حامی روان آنان پس از مرگ است. (همان: ۵۴) مانی نیز در آموزه‌هایش دوشیزه‌ای را تصویر کرده که مجموعه نیکی‌هایی است که شخص در زندگی انجام داده و هنگامی که روانش به سوی بهشت می‌رود، بر او ظاهر می‌شود. (ملاک بهبهانی، ۱۳۸۹: ۸۸-۹۱) هم دننای هدایت‌گر، و هم سپندارمذ هدایت‌شونده هر دو مادینه هستند. دننا در جایگاه مادرانه‌اش بر سر دوراهی خیر و شر ایستاده و با راهنمایی وجدان، اندیشه و شناخت، آدمی را جهت می‌دهد تا با انتخاب خود راه خیر را برگزیند. مادرانگی دننا تا هدایت انسان به سمت بهشت ادامه می‌یابد؛ او به‌گونه‌ای مادرانه گناهان را به بند می‌کشد و فرشته وحی یعنی بهمن را در غلبه بر اهریمن یاری می‌کند. دننا به کمک ایزدان مینوی می‌شتابد تا آدمیان را از تباهی نجات دهند.

۷.۳ ایزدبانو اشتاد

ایزدبانو اشتاد الهه راستی و درستی، از دستیاران امشاسپند امرتات است. او هم فرشته جاودانگی و هم موکل گیاهان است. در یشت‌ها، اشتاد غالباً با صفاتی چون فزاینده جهان، پرورنده گیتی و سودرساننده معرفی شده است. اشتاد راهنمای بینوایان است... و در روز بازپسین به همراه اسفندارمذ، روان‌ها را روی کفه ترازو می‌گذارد. (علوی، ۱۳۸۶: ۴۹) از این رو ایزدبانو اشتاد را راهنمای مینوان و جهانیان نیز نامیده‌اند. (بهار، ۱۳۷۵: ۱۵۵) حضور اشتاد، سپندارمذ، آناهیتا و نیز فروهر زنان پرهیزگار، در هنگام زاده شدن زردشت موجب شد تا هیچ بدی بر وی وارد نشود. (همان: ۱۹۶) اسطوره‌های قدیمی با تجربه مستقیم طبیعت و در قالب خیال‌پردازی‌ها پرداخته می‌شدند. با مشاهده تراوش شیر مادر، اسطوره آناهیتا ساخته می‌شد؛ با تولد فرزند، از الهه باروری حکایت می‌شد؛ و مشاهده‌ایثارگری‌های مادرانه منجر به خلق اسطوره اشتاد با صفاتی مادرانه می‌شد. او مظهر راستی، درستی و سودرسانی به جهانیان است و مانع رسیدن ضرر به ایشان می‌باشد؛ او همچنین رشد و گسترش جانداران را به عهده دارد و راهنمای مردگان نیز هست و روانشان را مورد سنجش قرار می‌دهد.

۸.۳ ایزدبانو چیستیا

چیستا نگاهبان علم و دانش در ایران باستان است. (زرشناس، ۱۳۸۵: ۲۱۱) در دین‌یشت، چیستا به عنوان «راست‌ترین دانش مزدا آفریده مقدس» توسط زردشت ستایش می‌شود. زردشت از چیستا می‌خواهد که سلامتی تن و بینایی [فوق‌العاده]... به او عطا کند؛ همچنین به سه ستایش کننده اشاره می‌شود که چیستا رامی‌ستایند، فرامی‌خوانند و درخواست می‌کنند. ایزدبانو چیستا در اوستا با صفت «راست‌ترین» توصیف می‌شود، وی ایزدبانوی «سفر و رهروی طریقت» نیز معرفی شده است؛ نعمت‌هایی که در «دین‌یشت» از چیستا خواسته شده، خواسته‌های رهروان راستی است. ایزدبانو چیستا در اوستا گاه به معنی دانش و معرفت و گاه موکل علم و دانش و گاه الهام‌کننده علم و معرفت معرفی شده است. (حجازی، ۱۳۷۰: ۶۳) در اسطوره‌های کهن ایرانی، روشنایی نیز دارای تشخیص بود و ایزدبانو چیستا عهده‌دار روشنایی بود؛ مردم را به راه‌ها بینا می‌کرد و از جنگل‌های تاریک و انبوه به سلامت عبور می‌داد. (همان: ۶۴) خرد زنانه چیستا در اسطوره‌های آریایی،

نقطه مقابل بی‌خردی زنانه هکات در اسطوره‌های یونانی است؛ هکات ایزدبانوی راه‌های فرعی یعنی مکان رواج جادوی شر بود که سگ‌های شکارش بر سر سه‌راهی‌ها سر و صدا می‌کردند و موجب گمراهی رهروان می‌شدند. (Hamilton, 1969: 31-33) اما ایزدبانوچیستای ایرانی برخلاف ایزدبانوهکات یونانی، هم نماد تیزیبینی موجودات زنده، و هم نیرویی است که موجب درک و حفظ متن‌های مقدس و نیایش‌ها توسط موبدان می‌شود. هنگامی که در رسیدن الهامات و اشراقاتِ نماز، ایزدبانوچیستا بالاترین نقش خود را ایفا می‌کند. اِرت و رشتات که به معنی راستی، درستی، عدل و انصاف هستند، غالباً در افسانه‌های ایران باستان با ایزدبانوانی مانند اُشی و چیستا همراه شده‌اند. (همان: ۶۵)

ویژگی‌های ایزدبانوچیستا عبارتند از: نگهبانی علم و دانش حقیقی، عطاکننده سلامتی، بینایی و تیزیبینی، وساطت میان دانایی مقدس با شهودات روحانی، هدایت به سمت معرفت و راه درست اینجهانی و آنجهانی، موکل بینایی و بصیرت و دانایی، نجات از تاریکی‌ها و گمراهی‌ها.

۹.۳ ایزدبانومادر

در ایران باستان ایزدبانوان با ویژگی‌های مادرانه‌شان ستایش و نیایش می‌شدند. در این‌باره نقش محوری الهه‌مادر قابل تأمل است. الهه‌مادر همان الهه آسیایی است که در گستره آسیای صغیر تا شوش پرستش می‌شد. احتمالاً این الهه آبادانی و بارداری، بعدها در قالب ایزدبانوآشی پرستیده می‌شد. زنانی که می‌خواستند باردار شوند، برای این الهه نذر می‌کردند. واژه «نانای» نیز که بعدها به صورت «ننه» درآمد، به ایزدبانوی بارداری اشاره دارد. نام مکان‌هایی مانند «بی‌بی‌شهربانو» نیز بی‌ارتباط با الهه‌مادر نبود. (بهار، ۱۳۷۵: ۱۶۶) خدای بزرگ اوروک، ایزدبانواینین بود که گاه اینانا خوانده می‌شد. این نام در سومری به معنای بانوی آسمان است. اینانا، ایزدبانوی باروری و الهه شهر اوروک، از قدرت بسیاری برخوردار بود. عقاید مادرسالارانه بین‌النهرینی، تأثیر فراوانی بر فرهنگ ایران باستان گذاشت، اما از نیمه دوم هزاره پیش از میلاد مسیح، به جای نظام اجتماعی مادرسالارانه و ترکیب قومی سومری، نظام پدرسالارانه و خودکامه بابل و آشور نشست. همچنین ایزدبانوایشتر الهه عشق، جنگ و باروری در رأس قدرت قرار گرفت که همچون اینانا، ایزدبانوی قدرتمند آسمان‌ها تلقی می‌شد و مقامی برابر با ستاره زهره داشت. در این دوران ستایش ایزدبانوایشتر در ایران و آسیای میانه نیز مرسوم شده بود. (همان: ۱۷-۲۰) ایشتر که از

دوران سومری اهمیت ویژه‌ای داشت، پس از به قدرت رسیدن اقوام سامی در بین‌النهرین، از اهمیت افزون‌تری برخوردار شد و به عنوان تنها الهه بین‌النهرینی پرستش شد. در این زمان تقریباً همه الهه‌های مادر، عشق، همبستری، باروری و حتی الهه جنگ در ایشتر خلاصه می‌شدند. (همان: ۴۰۶-۴۰۷) دو خویشکاری عمده ایشتر یکی یاوری پیروانش در جنگ و دیگری عشق‌ورزی و باروری بود که هنگام جنگ، پیشاپیش سپاهیان آشور حرکت می‌کرد و گاه بر سربازان ظاهر می‌شد. (همان: ۴۲۱)

زوج اسطوره‌ای دموزی / اینانا که بعدها مردوخ / ایشتر خوانده شدند، همان ایزیس / ایزیس مصری، و ادونیس / آفرودیت یونانی هستند که در اصل به مردم فنقیه تعلق داشتند و در قرن پنجم پیش از مسیح این زوج اسطوره‌ای به آتن رسیده بودند. سیل / آتیس در آسیای صغیر نیز متأثر از همان اسطوره بین‌النهرینی است؛ همچنین سیاوش / سودابه ایرانی و رامایانا / سیتای هندی و حتی یوسف / زلیخای قرآنی بیانگر همین نگرش مادرسالارانه است. در این افسانه‌ها مرگ، شهادت، به آتش فرو رفتن، تبعید شدن، به‌زندان افتادن، همگی نمادهای مختلف اسطوره باروری هستند؛ به این معنا که پنهان‌شدن دانه در خاک، مقدمه‌رهایی از خاک و حیات بعدی است. در این اسطوره‌ها، بازگشت از جهان مردگان، بیرون آمدن از آتش، رهاشدن از تبعید یا زندان، و به فرمانروایی رسیدن، همگی به منزله رویش دوباره و باروری مجدد است، (همان: ۴۲۷-۴۲۸) که با وجود تفاوت‌های فرهنگی اسطوره‌پردازان مختلف، اما در گفتمان مادرمحورانه باروری، زایش، رویاندن، و به ثمر رساندن مشترک هستند.

الهه بزرگ عیلامیان نیز ایزدبانو کیریریشه الهه باروری بود که زندگی و سلامتی را به پیروانش می‌بخشید. قهر او می‌توانست مردم را دچار بیماری کند. کیریریشه عیلامی با ایشتر بین‌النهرینی و آنهیتای ایرانی قابل مقایسه است. (همان: ۴۴۴-۴۴۵) این سه ایزدبانو وجوه مشترک فراوانی دارند که بیانگر ریشه‌های مشترک فرهنگی است.

صفات مشترک الهه‌مادر در فرهنگ‌های عیلامی، بین‌النهرینی، و آریایی عبارتند از: خردمندی، آگاهی، قدرتمندی، عشق‌ورزی، باروری، حیات‌بخشی، رهایی‌بخشی، رویاندن، ثمردهی، حمایت از جنگاوران و حفاظت از آب‌های شیرین.

در آن دوران ایزدبانوان اسطوره‌ای الهام‌بخش مادران بودند و برای باروری و فرزندپروری، مورد نذر و نیاز قرار می‌گرفتند. همچنین ساختن مجسمه‌هایشان و نامگذاری مکان‌هایی به نامشان، نماد مادی آن اسطوره‌های مثالی بود.

افسانه‌های کهن آریایی از ستایش ایزدبانوان دیگری نیز حکایت می‌کند که به برخی اشاره می‌شود:

- ناسه‌تیه، ایزدبانوی مهربانی، شکیبایی و برکت‌بخشی که پرورش‌دهنده کردارهای نیکو و دشمن‌دروغ و ناراستی بود؛ (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۱۲۰)

- ایرمان، ایزدبانوی ازدواج، درمان‌کننده بیماری‌ها و آورنده داروهای شفابخش که مایه آرامش است. او پیش از رستاخیز همراه اردیبهشت به زمین می‌آید تا دیو حرص و آز را نابود کند؛

- آمه، ایزدبانوی قدرت که با صفت خوش‌اندامی و زیبایی از او یاد می‌شود؛ (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۳)

- سوک، یار و همراه ماه که ابتدا همه نیکویی‌های گیتی را به ماه می‌سپارد، سپس ماه به آن‌ها تحویل می‌دهد؛ آنگاه آن‌ها به سپهر می‌سپارد؛ پس از آن، سپهر نیکویی‌ها را به جهان می‌بخشد. سوک به هرکس نیکویی زیاد دهد، سپهر نیکو نامیده می‌شود، و به هرکس نیکویی کم دهد، سپهر بد خوانده می‌شود. (بهار، ۱۳۷۵: ۱۴۸) همچنین سوک ایزدبانوی سلامتی، خوشی، پیشرفت و از همکاران میترا یعنی ایزد خورشید بود. (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۳)

انسان موجودی تاریخ‌مند است که مراحل قبلی توسعه روان جمعی‌اش را در ناخودآگاه خود حفظ کرده‌است. ناخودآگاه تاریخی از طریق روان آدمی در مراحل مختلف حیات به اشکال نمادین بروز می‌کند. برای مثال یک فرد مدرن اروپایی در زمان جنگ علاقه فزاینده‌ای به اسطوره‌های حماسی یونان باستان مانند ایلیاد و ادیسه پیدا می‌کند؛ هرچند هیچ شباهتی میان جنگ تروا و جنگ‌های امروزی وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت اسطوره‌ها، فرازمانی - فرامکانی هستند و ایده نمادین اسطوره‌ها از طریق ناخودآگاه جمعی در حیات کنونی ظهور و گسترش می‌یابد (Jung, 1964: 107-109) همچنین اسطوره‌ها، ارزش‌های رفتاری را آموزش می‌دهند، از این رو اسطوره‌شناسی، نگاهی فراتاریخی به پژوهشگر می‌دهد تا از هر اسطوره‌ای به معنایی متعالی دست یابد. (Armstrong, 2005) بنابراین فراموش کردن اسطوره‌های ملی، بی‌هویتی اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. تأمل در افسانه‌های باستانی، به منزله کهنه‌پرستی و خرافه‌گستری نیست، بلکه تأملات اسطوره‌پژوهانه به ریشه‌یابی فرهنگی و بازبازی هویت جمعی و تاریخی خواهد انجامید که انسجام اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. همچنین بازخوانی پیشینه‌های اسطوره‌ای هر ملتی، ناخودآگاه جمعی آن

ملت را مکشوف می‌کند تا بتوان بر آن اساس برنامه‌ریزی‌های مناسبی جهت به فعلیت رسیدن استعدادهای جامعه انجام داد و راه‌های توسعه را با تمرکز بر قابلیت‌های بومی پیمود. در همین راستا بازخوانی اسطوره‌های ایزدبانوان، سابقه‌های وراثتی عقلانیت اجتماعی زنان را آشکار می‌سازد.

۴. اسطورهٔ آفرینش

در اسطوره‌های مانوی، نخستین شخصیتی که پس از ژروان (در اسطوره‌های زروانی، زروان ایزدی است که قبل از خلقت هر چیزی وجود داشت از او به نام ایزد زمان نیز یاد می‌شود (قلی‌زاده: ۱۳۸۸: ۵۴۹)) در بهشتی آرام با ساکنان مینوی و نورانی حضور دارد، ایزدبانویی به نام «روح بزرگ» (این خدایانو ظاهراً وجودی ازلی است که در کنار زروان حضور داشته‌است.) است. در مقابل او اهریمن در دوزخی سراسر آشفتگی، خشم و شهوت سکونت دارد. زروان برای مبارزه با اهریمن، «مادرزندگی» را می‌آفریند. او فرزندی به نام «اورمزدبغ» می‌زاید. در اسطورهٔ آفرینش زن در سه نقش ایزد، همسر و مادر ظاهر می‌شود. در **نقش ایزد** «روح بزرگ» با اهریمن خشمگین، مقابله می‌کند تا آرامش بر خشونت و نور بر ظلمت پیروز شود؛ در نقش مادرزندگی برای نجات پسرش اورمزدبغ، نزد زروان شفاعت می‌کند و زروان، مهرایزد (این ایزد را نباید با ایزدمهر یا میترا در دین زردشتی یکی گرفت) را می‌آفریند تا اورمزدبغ را نجات دهد، دیوان دوزخی را درهم‌کوبد و از پیکر آنها جهان مادی را بسازد. (ملاک بهبهانی، ۱۳۸۹: ۸۸-۹۱) اسطورهٔ «روح بزرگ» برای معنویت، مهرورزی و امنیت‌بخشی، ریشه‌ای مادرانه قائل است. طبق اسطوره‌های آریایی از آنجا که زنان در **نقش مادر** جمعیت بشری را زیاد می‌کنند با «آمبا» ایزدبانوی قدرت که بداندیشان از او می‌هراسند، مرتبط هستند (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۷۰) همچنین زنان با الهه شیر و الههٔ آب درارتباط هستند.

اسطوره‌های آفرینش درمورد **نقش همسری** زنان حکایت می‌کنند: «مشی و مشیانه به‌صورت دو شاخهٔ درهم‌پیچیده ریواس از زمین رویدند و آن‌گاه تبدیل به پیکر آدمی شدند.» (دادگی، ۱۳۷۸: ۵۱-۶۷) هورمزد به مشی و مشیانه گفت شما مردم هستید؛ شما پدر و مادر جهانیان هستید؛ شما را با برترین عقل سلیم آفریدم؛ بنابراین روا باشد که جریان کارها را با عقل سلیم به انجام رسانید؛ نیک اندیشید؛ نیک عمل کنید و دیوان را مستابید. هنگامی که هر یک از مشی و مشیانه به دیگری اندیشید، نخست اندیشید که

«او مردم است». (بهار، ۱۳۷۵: ۱۷۷) در اسطوره‌های ایرانی، زن و مرد دوگونه از نوع انسان هستند که به پندار و گفتار و کردار نیک دعوت شده‌اند. در اسطوره آفرینش، زن و مرد به کار و تولید مثل نیز ترغیب می‌شوند. (هینلز، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۴)

۵. اسطوره‌شناسی خرد زنانه

از آنجا که ارتباط وثیقی میان زبان‌شناسی با اسطوره‌های کهن هر ملتی وجود دارد، در این قسمت به مونث بودن برخی مفاهیم کلیدی مرتبط با خرد یا حکمت در ایران باستان، اشاره می‌شود:

«آسن خرد» به معنای خرد ذاتی، که از آغاز تولد انسان با او همراه بوده از ریشه «زن» به معنای «زادن» مشتق شده است (البته با وجود مونث بودن مفهوم آسن خرد، اما واژه آسن خرد مذکر است زیرا بسیاری از مفاهیم مونث در دستور زنان تاریخی ایران دارای واژه مذکر بودند یعنی اسمی که بر مونث دلالت می‌کرد با واژه مذکر استعمال می‌شد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۲۷)). هم‌ریشه بودن عقلانیت ذاتی با زنانگی را می‌توان ظرفیتی برای خرد زنانه تلقی کرد. «آردا فرورد» به معنای «فروشی پرهیزگار» نیز واژه‌ای مونث است. در متن‌های اوستایی، همواره از «فروهرهای زنان و پهلوان‌زادگان پرهیزگار» یاد شده که در ترجمه پهلوی به صورت «فروهر پرهیزگاران ماده و نر» آمده است. ظاهراً بعدها این ترکیب در متن‌های زند مختصر شده و در قالب «فروهر پرهیزگار ماده» ارائه گردیده یعنی «گروه نر» به کلی از آن حذف شده است. شاید این فرایند به علت مادینه بودن واژه «فروشی» بوده باشد. در نوشته‌های پهلوی غیر زند نیز عبارت «فروهر پرهیزگار ماده» به عنوان نماد همه فروشی‌ها، حالتی مقدس و ایزدگونه به خود گرفته است. (هینلز، ۱۳۹۱: ۹۷) «فروهر» یا «فروشی» یکی از پنج نیروی موجود در آدمی است که اورمزد در روز نخست آفریده است. فروهرهای مردمان، از توانایی‌های همسان برخوردار نیستند، بلکه ظرفیت‌های متفاوتی دارند. فروهر اورمزد از همه کس و همه چیز نیرومندتر است؛ سپس فروهر سوشیانس‌ها و پوریوتکیشان (یعنی نجات‌دهندگان مردم و نخستین گروندگان به دین) از دیگران قوی‌تر است. آفریدگان شش‌گانه یعنی آتش، آسمان، آب، زمین، گیاه و چهارپایان نیز دارای فروهر هستند. فروهرهای بزرگ از قدرت، پیروزمندی و درمان‌بخشی برخوردارند. آنان چون خیال، تیزپروازند و به دنبال خواهش خواستاران، از آسمان برای یاری فرود می‌آیند. (زرشناس، ۱۳۸۵: ۴۶-)

بنابراین علاوه بر زنانه‌بودن مفهوم «آسن خرد» یا عقل ذاتی، واژه فَرَوَشی اوستایی یعنی همان واژه پهلوی فروهر نیز مونث است؛ این واژه به معنای «ذره‌ای از ذات اهورایی» می‌باشد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت در ادبیات ایران باستان، هم عقل ذاتی و هم جوهر اهورایی، هر دو واژه‌هایی مونث هستند. بنابراین ادبیات ایرانی ادبیاتی تبعیض‌گرا و مردسالارانه نیست زیرا کلیدواژه‌های مبنایی آن مانند «آسن خرد» و «فروشی» که بیانگر ویژگی‌های شاخص انسانی هستند، مادینه هستند. همچنین واژه اوستایی «دئنا» که در زبان فارسی به صورت دین درآمده، مادینه است. در گاهان، این واژه مونث، واژه‌ای اهورایی شناخته شده که بر مفاهیمی چون وجدان، پندار، بینش، و فردیت دلالت می‌کند. (همان)

یکی دیگر از واژگان کلیدی مرتبط با خرد واژه مونث «چیستی» هم‌ریشه با نام ایزدبانوچیستا است. چیستی به معنای دانش و معرفت، شهود و آگاهی، نظر و اندیشه است. چیستی و چیستا از فعل «توجه کردن و فهمیدن» مشتق شده‌است. کلنز احتمال می‌دهد واژه چیستی، صورتی مونث از صفت مفعولی چیستا به معنای دیده‌شده، درخور توجه و جذاب باشد. (همان: ۲۱۱) شاید مونث بودن واژه چیستی به این علت باشد از فرایندی مادرانه حکایت می‌کند و آن تولد حقیقت است. درحالی‌که خوانش‌های مردسالارانه از اسطوره‌ها، عموماً بر نقش منغلانۀ زنان در روابط جنسی پرداخته‌اند و نقش فعالانۀ زنان را در فرایند مادری نادیده گرفته‌اند؛ نقشی که تعریفی مهرورزانه از قدرت خلاق را عرضه می‌کند و بر آفرینش، تولد و بالنده‌سازی متمرکز است.

اصولاً خرد و قدرت مادرانه در اسطوره‌های ایزدبانوان ایرانی جایگاه برجسته‌ای دارد؛ اسطوره‌هایی که در ناخودآگاه جمعی ایرانیان حضور دارند و در زمینه و شرایط مناسب می‌توانند به فعلیت برسند؛ اسطوره‌هایی که حاکی از پرستش ایزدبانوانی با ویژگی‌های مادرانه یعنی باروری، زایش و سلامتی بوده‌اند. در این افسانه‌ها خردایزدبانوان همراه با عواطف مهرورزانه معرفی شده‌است. ایشان هم محافظ و پاسدار زمین، و هم مظهر تقوا و عبادت سپندارمذ در جهان معنوی بوده‌اند. همچنین مهربانی، شکیبایی، و برکت‌بخشی از خصوصیات مادرانۀ ایزدبانوان اسطوره‌ای بوده‌است. ایشان کردارهای نیکو و دادگری را می‌پروراندند و دشمن دروغ و ناراستی بودند. در بندهش آمده «هورمزد در آفرینش، هم مادری و هم پدری آفریدگان است؛ هنگامی که آفریدگان را به مینویی پرورد، آن مادری بود و هنگامی که (ایشان) را به صورت مادی آفرید، آن پدری بود.» (دادگی، ۱۳۷۸: ۳۸) در این اسطوره، معنا به زنانگی، و ماده به مردانگی نسبت داده شده که نقطه مقابل رویکرد

اسطوره‌پردازان یونانی است. (صانع‌پور، ۱۳۹۸: ۲۸-۳۰) هورمزد جنبه مینوی و معنوی خود را مادری می‌خواند؛ و جنبه مادی خویش را پدری معرفی می‌کند، این تعبیر برای بیان ارج و احترام مادران در دین و آیین آریایی کافی است. چنین بود که فره کیانی نیز از مادران به فرزندان منتقل می‌شد. در اسطوره‌های آریایی، ایزدبانوان در جهان مینوی، نماد محبت و بردباری اهورمزدا؛ و در جهان مادی، فرشته موکل زمین بودند که آن را آباد و بارور می‌ساختند. برای نمونه ایزدبانوی آب موجب جاودانگی، پایداری و بی‌مرگی می‌شد؛ گیاهان را پاسداری می‌کرد؛ جانوران را بر روی زمین می‌گستراند و رمه‌ها را فزونی می‌بخشید. در افسانه‌های آریایی همه چیز از معنا آغاز می‌شود و پس از عبور از مرتبه صورت، لباس ماده می‌پوشد. بر این اساس اصولاً شکافی میان ماده و معنا وجود ندارد تا چون اسطوره‌های یونانی آسمان نورانی، مردانه، و زمین ظلمانی، زنانه تلقی شود؛ و سپس فلسفه‌هایی شکل گیرد که صورت فعال عقلانی را مردانه، و ماده متفعل غیرعقلانی را زنانه معرفی کنند. از آنچه گذشت، برمی‌آید اسطوره‌های ایران باستان اساساً معناگرا و اخلاق‌مدار بوده‌اند. ایزدبانوان، راست‌کرداری و راست‌گفتاری را پاس می‌داشتند، از دادگری و انصاف حمایت می‌کردند و پاسدار آبادانی و باروری بودند. به عبارتی دیگر ایزدبانوان آریایی عقلانیت و قدرتی مادرانه داشتند که از شأنی آسمانی، مینوی و جاودانه بهره‌مند بود.

بنابراین میان صفات ایزدبانوان ایران باستان تفاوتی مبنایی با صفات ایزدبانوان یونانی وجود دارد؛ هومر و هزیود اسطوره‌پردازان مشهور یونان باستان، غالباً ایزدبانوان را موجوداتی احساسی و فاقد عقلانیت معرفی کرده‌اند. برای نمونه ایزدبانوهرها بسیار زیبا و بسیار حسود بود؛ جنگ تروا نتیجه تنفرها از ایزدبانوی زیبایی بود که همسرش زئوس را عاشق خودش کرده بود. (Hamilton, 1396: 28-29) هکات نیز ایزدبانوی زیبایی و اغواگری بود؛ به گونه‌ای که خدایان مذکر و مردان در برابرش مقاومت نداشتند؛ او عقل و درایت عاقلان را می‌زدید. از هکات به عنوان خدای دوزخ نیز یاد شده است. آفرودیت ایزدبانوی خودآرایی و هوسرانی زنانه معرفی می‌شد و نماد لذایذ جسمانی بود. دختران زئوس که ایزدبانوان زیبایی‌های زنانه بودند، از عشق جنسی حکایت می‌کردند. ایشان عبارت بودند از آگلایا، اوفروسین و تالیا. الهه‌های شعر و خوش‌اندامی نیز از دیگر ایزدبانوان کوه المپ بودند. (Ibid: 31-39) در افسانه‌های کهن یونانی، ایزدبانوآته، نماد بی‌خردی و نادانی بود که هیچ تربیت و اندرزی در او اثر نداشت. (یگر، ۱۳۷۶: ۷۱)

ایزدان مذکر یونانی غالباً قدرتمند و فعال اما ایزدان مذکر، منفعل و ضعیف ترسیم شده‌اند. هرچند آتنا ایزدبانوی خرد معرفی شده اما عقلانیتش فقط در حوزه خصوصی کارآیی دارد اما در حوزه عمومی آتنا باید به شکل مردانه متور (مربی تلماخوس در ادیسه) ظاهر شود تا بتواند نقشی تربیتی در جامعه ایفا کند. (یگر، ۱۳۷۶: ۷۱-۷۴) در اسطوره‌های ایرانی، ویژگی‌های بالقوه زنان، در ایزدبانوان یا فرشتگان فعلیت یافته‌است؛ فعلیت‌هایی از قبیل خلاقیت، باروری، خیرخواهی، عدالت‌گستری، مهربانی، بردباری، صداقت، تولدگستری، بقاخواهی و فناستیزی. این رویکرد اسطوره‌پردازانه را می‌توان ریشه‌ای‌ترین باور ایرانیان نسبت به قابلیت‌های عقلانی زنانه تلقی کرد؛ عقلانیتی مراقبتی که با صفاتی مادرانه عجین بوده‌است. اگر این ناخودآگاه جمعی به خودآگاه جمعی تبدیل شود و در شخصیت اجتماعی زنان فعلیت یابد، می‌تواند در کنار عقلانیت حمایتی پدران، جامعه‌ای امن و سالم را رقم زند. دریغا که در اعصار و قرون گذشته، خرد مهرورز مادرانه همچون خرد حمایت‌گر پدران، از حضور در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ محروم بوده‌اند و در نتیجه انسان، گرگ انسان شده‌است.

۶. نتیجه‌گیری

ریشه‌های هر تمدنی را می‌توان در اسطوره‌های باستانی‌اش جستجو کرد. در این مقاله، ظرفیت‌های اسطوره‌ای ایران باستان واکاوی شد تا ویژگی‌های خرد زنانه، کشف و بازنمایی گردد و با بازپروری عقل زنانه در ایران باستان، صدای زنان ایرانی که نیمه خاموش جامعه بوده‌اند، شنیده شود. شنیدن صدای زنان از دوردست‌های تاریخ کهن ایرانی، مقدمه حضور تعیین‌کننده ایشان در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز این مرز و بوم خواهد بود تا تمدنی انسانی و نوع‌دوستانه، با همراهی زنان و مردان شکل گیرد.

در اسطوره‌های ایران باستان خرد زنانه دارای ویژگی‌هایی مادرانه است که در جمع‌بندی زیر تحلیل می‌شوند:

- ایزدبانو آناهیتا به عنوان الهه آب حیات بخش ستایش می‌شد زیرا آریاییان کهن همانگونه که آب را منشأ باروری، تولد و حیات می‌دیدند، زنان را نیز منشأ باروری، تولد و حیات می‌دانستند. از این رو جنسیتی زنانه برای آناهیتا قائل بودند؛

- آریاییان برای ایزدبانوآناهیتا صفاتی مادرانه قائل بودند و او را حامی و یاور نیکان و مومنان می‌دانستند؛ همچنین آناهیتا را مادری آسمانی تلقی می‌کردند که فرّه ایزدی را به شایستگان اعطا می‌کند تا شهریارانی نیکوسرشت باشند؛ به بیانی دیگر، ایزدبانوآناهیتا بسان مادری مهربان، هم اعطا کننده حیات مادی، و هم اعطاکننده حیات معنوی بود. و نیز از آنجا که باروری حیات مادی و معنوی توسط مادران، مستلزم مقابله با شرارت‌ها است، ایزدبانوآناهیتا دشمن دیوان و جادوپیشتگان بود.
- در اسطوره‌های ایران باستان ایزدبانومادر که مظهر فرزندزایی زنان و مادرانگی بود ستایش می‌شد. وی همچنین حامی و پرورنده فرزندی آسمانی بود. در باور ایرانیان، مادرانگی فقط به تولد و باروری مادی منحصر، نمی‌شد بلکه تولد و باروری معنوی را نیز در بر می‌گرفت؛ البته در افسانه‌های کهن از الهه‌زمین نیز حکایت شده‌است که با الهه‌مادر تفاوت دارد، زیرا الهه‌زمین سرچشمه حیات و منبع سودبخشی ازلی - ابدی برای پدیده‌های طبیعی است؛
- طبق اسطوره‌های آریایی آفرینش با خویشکاری مادرانه آغاز و بساط آسمان‌ها، زمین و کوهها گسترده شده‌است. مادر حیات پس از کشته‌شدن ارکان دولت ظلمت، از پوست آن‌ها آسمان را ساخت، جسدشان را بر زمین افکند؛ از گوشتشان خاک را آفرید و از استخوانشان کوه‌ها را برپا کرد؛
- میراث مادرمحورانه اسطوره‌های عیلامی موجب شد نقش اصلی ایزدبانوان از آفرینش، باروری و برکت‌بخشی تا مادرشاهی نظام اجتماعی ادامه یابد؛
- در اسطوره‌های بین‌النهرینی و آریایی، سرچشمه هستی مونث بود؛
- در اسطوره‌های مانوی، زروان برای مبارزه با اهریمن، روح بزرگ یا مادرزندگی را می‌آفریند، که «اورمزدیغ» فرزند او است؛
- در بندهش آمده هورمزد در آفرینش، هم مادرانگی و هم پدرانگی آفریدگان است؛ مادرانگی هورمزد هنگامی بود که آفریدگان را به مینویی پرورد، و پدرانگی هورمزد هنگامی بود که آفریدگان را به صورت مادی آفرید. به همین علت فرّه کیانی که امری مینوی بود، از مادران به فرزندان منتقل می‌شد؛
- در اسطوره‌های کهن، زنان با تولد نوزادشان، برای ایزدبانوآمبا که مظهر قدرت مادرانه است نیروی کمکی می‌آفرینند تا بدانندیشان را از پای درآورد؛

- در اسطوره‌های آریایی، مرد و زن یعنی مشی و مشیانه ریشه‌ای واحد دارند و تکالیف یکسانی برای آنان قرار داده شده‌است. آن‌ها که از عقل سلیم و اخلاص برخوردارند، پدر و مادر نسل بشر هستند. طبق این اسطوره، نخستین اهورمزدا در نخستین خطابش، ایشان را به نیک‌اندیشی، نیک‌گفتاری و نیک‌کرداری دعوت کرد بنابراین روح حاکم بر اسطوره آفرینش، از اخلاق مینوی حکایت می‌کند؛
- در آیین کهن زردشتی ازدواج مقدس است زیرا زن و مرد با تولد فرزندان، اهورامزدا را در آفرینش اهورایی یاری می‌کنند؛
- در اسطوره‌های فرشته‌شناسانه، امشاسپندان مظاهر اهورمزدا هستند؛ سه امشاسپند مذکر عبارتند از: بهمن مظهر خرد نیک، اردیبهشت مظهر قانون و نظم اخلاقی، شهریور مظهر قدرت و سیطره؛ سه امشاسپند مونث عبارتند از: اسفند مظهر مهربانی و بردباری، خرداد مظهر کمال، مسالمت، آفرینندگی و محافظت، مرداد مظهر هستی، پایداری و شادابی.
- فرشته‌شناسی ایران باستان، خرد و قدرت مادرانه را برای مدیریت جامعه ضروری می‌داند زیرا انسان‌ها را مظاهر فرشتگان، و نظام این جهانی را مظهر نظام آن جهانی معرفی می‌کند. بر این اساس مدیریت نیک این جهانی محصول حضور مادرانه (یعنی مهربانی و بردباری اسفند؛ کمال، مسالمت، آفرینندگی و محافظت خرداد؛ هستی، پایداری و شادابی مرداد) در کنار حضور پدرانه (یعنی خرد نیک بهمن؛ قانون و نظم اخلاقی اردیبهشت؛ قدرت و سیطره شهریور) است.
- براساس فرشته‌شناسی اسطوره‌ای و مظهریت جهان مادی از جهان معنوی، غیبت زنان از تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای کلان اجتماعی، جامعه را از فروتنی، جانبازی، فداکاری و آسایش سپندارمذ؛ از کمال، سلامتی، رستگاری و نیک‌بختی خرداد؛ و از سرسبزی، نشاط، فراوانی و جاودانگی امرداد محروم می‌کند؛
- حضور ایزدبانوآناهیتا در حافظه تاریخی ایرانیان، زنان را مسئول حفظ و انتقال فره ایزدی، خرد اهورایی، دوستی، آزادگی، پاکیزگی و شفابخشی معرفی می‌کند تا شرارت‌های اهریمنی را از خانواده و جامعه دور کنند؛
- حضور ایزدبانو اشی، در حافظه تاریخی ایرانیان زنان را به نگهداری ثروت‌های مادی و معنوی ترغیب می‌کند تا پیشرفت و آسایش در خانواده و جامعه محقق شود و نور خردورزی، خیرخواهی و بخشندگی زمین را روشن کند؛

- حضور ایزدبانو دثنا در حافظه تاریخی ایرانیان زنان را به برگزیدن راه‌های اهورایی فرا می‌خواند تا روان و جوارحشان از گناه و پلیدی دور بماند و با شفقت مادرانه، خانواده و جامعه را در مسیر نیکی و رستگاری کمک رسانند؛
- حضور ایزدبانو چیستا در حافظه تاریخی ایرانیان زنان را به نگاهبانی علم و دانش ترغیب می‌کند تا با ظلمت جهل مقابله کنند و به خردورزی و دانش‌اندوزی خانواده و جامعه کمک رسانند؛ مشعل آگاهی را بر افروزند و در راستای گسترش معرفت مقدس در خانواده و جامعه تلاش کنند؛
- حضور ایزدبانو ناسه‌تیه در حافظه تاریخی ایرانیان زنان را ترغیب می‌کند به خانواده و جامعه عشق بورزند؛ با خشونت و نزاع مقابله کنند؛ و یاور صلح و دوستی باشند؛
- حضور الهه‌مادر در حافظه تاریخی ایرانیان زنان را به ایجاد و بارورسازی خرد مهرورز، و نیز آگاهی‌رهایی‌بخش ترغیب می‌کند تا با قدرت مادرانه‌شان زیست‌محیط مادی و معنوی را پاک و آباد سازند.

کتاب‌نامه

- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۵، *دستور زبان تاریخی*، تهران، هرمس
- اسماعیل پور، ابوالقاسم، ۱۳۷۷، *اسطوره، بیان نمادین*، چاپ اول، تهران: سروش
- اینوسترانشف، کنستانتین، ۱۳۵۱، *تحقیقاتی درباره ساسانیان*، ترجمه کاظم کاظم زاده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بهار، مهرداد، ۱۳۷۵، *پژوهشی در اساطیر ایران*، ویراستار کتایون مزداپور، تهران: آگاه، پورداوود، ابراهیم، ۱۳۰۷، *یشت‌ها، به دستگیری دینشاه ایرانی*، بمبئی
- پورداوود، ابراهیم، ۱۳۳۷، *یسنا*، ج ۱ و ۲ (چاپ دوم) ابن سینا، تهران
- تفضلی، احمد، ۱۳۸۳، *تاریخ ادبیات پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ چهارم، انتشارات سخن
- حجازی، بنفشه، ۱۳۷۰، *زن به ظن تاریخ* (چاپ اول)، تهران: شهرآب
- دادگی، فرنیغ، ۱۳۷۸، *بندش*، بهار، مهرداد، تهران: توس.
- دوستخواه، جلیل، ۱۳۷۰، *اوستا: کهن‌ترین سرودها و متنهای ایرانی*، تهران: مروارید.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- راشد محصل، محمد تقی، ۱۳۸۵، *وزیدگیهای زادسپریم*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

خرد زنانه در اسطوره‌های ایران باستان (مریم صانع‌پور) ۱۹۱

زرشناس، زهره، ۱۳۸۵، *زن و واژه*، موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر.
سویمی، جی. و مناسک، م. بی‌تا، *اساطیر ملل آسیایی، اساطیر پارسی و چینی*، جلد اول، ترجمه محمود مصور رحمانی و خسرو پورحسینی، تهران: مازیار.
صانع‌پور، مریم، ۱۳۹۱، *اسطوره شناسی یونانی و مدرنیته غربی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

علوی، هدایت‌الله، ۱۳۸۶، *زن در ایران باستان*، انتشارات آذر
قلی‌زاده، خسرو، ۱۳۸۸، *فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
ملاک بهبهانی، امید، «چهره و نقش زن در آیین مانی»، *زن در فرهنگ و هنر، پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۹، ۸۷-۹۶.

میرفخرایی، مهشید، ۱۳۸۲، *بررسی هفت‌ها*، موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر
نیبرگ، هنریک ساموئل، ۱۳۵۹، *دین‌های ایران باستان*. ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، چاپ اول، تهران: دانشکده علوم توانبخشی.

هینلز، جان راسل، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، چشمه، ۱۳۹۱،
یگر، ورنر، ۱۳۷۶، *پای‌دیا*، ترجمه محمد حسن لطفی، جلد یکم، خوارزمی، تهران
یوسفی، آزیتا، ۱۳۸۷، *زن در اساطیر ایران، انجمن زنان پژوهشگر تاریخ*.

Armstrong, Karen, 2005, *A Short History of Myth*, Conongate Myth Series

Campbell, Joseph, 1973, *The Hero with a thousand face*, Bollingen series, Perinceton University Press.

Hamilton, Edith, 1969, *Mythology*, Dorris Fielding Reid.

Jung, Carl, 1964, *Man and His Symbols*, Doubleday.

McPherran, Mark, 1996, *The Religion of Socrates*, The Pennsylvania State University Press.

Vico, Giambattista, 1970, *The Autobiography of Giambattista Vico*, Trans. From the Italian by Max Harold Fisch & Thomas Goddard, Bergin, Cornell University Press, Ithaca and London.

پرتال جامع علوم انسانی